

دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی (مطالعه شهروندان شهر یزد و اهواز)

مهناز فرهنگند،* مجتبی شفیع نژاد،** مرتضی دامن باغ***

چکیده

افزایش بی‌اعتمادی اجتماعی در جامعه به رشد فعالیت‌های فردگرایانه و کاهش فعالیت‌های جمعی می‌انجامد و در نتیجه به تهدیدی برای انسجام اجتماعی تبدیل می‌شود. اعتماد اجتماعی سرمایه اصلی هر جامعه است و نادیده گرفتن آن به منزله فاصله گرفتن از جامعه سالم و در نتیجه، افزایش بی‌اعتمادی در جامعه است. تحقیق حاضر با تکنیک پیمایش درصدد است وضعیت دوگانگی فرهنگی و رابطه آن با بی‌اعتمادی اجتماعی را در دو شهر یزد و اهواز به صورت تطبیقی بررسی کند. جامعه آماری این تحقیق را افراد ۱۵ تا ۶۴ ساله ساکن در دو شهر یزد و اهواز تشکیل می‌دهند که از بین آنها نمونه‌ای با حجم ۶۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده است. نتایج داده‌های این پژوهش حاکی است که بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی رابطه معناداری وجود دارد. این بدان معناست که هرچقدر ارزش‌های سنتی و مدرن هم‌زمان در رفتار افراد و کنش‌های اجتماعی آنان ظهور کند به تبع آن، بی‌اعتمادی افزایش می‌یابد. داده‌ها مؤید آن است که میزان بی‌اعتمادی اجتماعی در دو بعد محیطی و نهادی بیشتر از ابعاد دیگر است و این میزان نزد شهروندان یزدی نسبت به شهروندان اهوازی بالاتر است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که ابعاد تساوی، دموکراتیک، خاص‌گرایی، جامعه مدنی و تقدیر، به ترتیب قدرت پیش‌بینی، قادرند ۲۱/۲ درصد از تغییرات میزان بی‌اعتمادی اجتماعی را تبیین کنند. به‌طور کلی، نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که دوگانگی فرهنگی یکی از عوامل افزایش بی‌اعتمادی در عرصه‌های تعاملی، سیاسی و اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: بی‌اعتمادی اجتماعی، دوگانگی فرهنگی، شهر یزد، شهر اهواز.

farahmandmh@yahoo.com
mojtabash8380@gmail.com
morteza.d2014@yahoo.com

* استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد
** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد
*** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۶ تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۲۸

مسائل اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۷۳-۹۶

مقدمه و بیان مسئله

یکی از اساسی‌ترین مسائلی که جوامع امروزی با آن مواجهند، اعتماد اجتماعی است که بالا بودن سطح آن در جوامع مختلف از شاخصه‌های مهم توسعه و پیشرفت محسوب می‌شود و بدون آن هیچ کنش متقابل مطمئنی صورت نمی‌گیرد. اعتماد اجتماعی متقابل یکی از پیش‌زمینه‌های فرهنگ مدنی و ایجاد دموکراسی پایدار محسوب می‌شود (اینگلههارت^۱، ۱۳۸۲).

ارتباطات عنصری حیاتی در جامعه و مایه دوام و قوام آن است. برای ایجاد اعتماد، شخص باید هم به دیگری اعتماد کند و هم خودش، دست‌کم در محدوده رابطه موردنظر، قابل اعتماد باشد (ارمکی و کمالی، ۱۳۸۳: ۱۱۲). در نبود اعتماد، اغلب ساختارهای اجتماعی نسبتاً پیچیده باید زمان بسیاری را برای محافظت در برابر سوءاستفاده و فرصت‌طلبی صرف کنند و به ایجاد نظارت دقیق و مجازات و جریمه‌های مؤثر بپردازند (وثوقی و رحمانی، ۱۳۹۲). بی‌اعتمادی به‌منزله عنصری مهم از پایین‌ترین سطوح روابط در خانواده میان پدر و مادر و فرزندان آغاز می‌شود و سپس، در سطوح گسترده‌تری مانند خویشاوندان، دوستان و گروه همسالان ادامه می‌یابد و در نهایت، در سطح گروه‌ها و نهادهای جامعه متجلی می‌شود. فقدان اعتماد به اشخاص بیگانه و نهادهای گوناگون موانع بسیاری جهت پیشبرد مقاصد اجتماعی و اقتصادی در جامعه به وجود می‌آورد. در بین انواع بی‌اعتمادی، بی‌اعتمادی به نهادهای اجتماعی علاوه‌بر اینکه شهروندان را به پیروی از مقامات مسئول بی‌میل می‌کند، سطح انسجام و همگونی جامعه را کاهش می‌دهد.^۲ (کوک^۲، ۲۰۰۱: ۱۶۴) و ناکارآمدی نهادها و افزایش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. درمقابل، با گسترش اعتماد افراد به نهادها، مشروعیت و ثبات رژیم‌های سیاسی افزایش می‌یابد (کاستیلو و همکاران، ۲۰۱۱: ۲).

ازجمله دلایلی که به افزایش بی‌اعتمادی در روابط اجتماعی منجر می‌شود، وجود دوگانگی و تضاد فرهنگ سنتی و مدرنیته در سطح جامعه است. تحقیقات صورت‌گرفته حاکی از آن است که شهرنشینی با روند افزایشی خود زمینه تحول در نگرش‌ها را فراهم آورده و نگرش‌های جدید رقیب نگرش‌های سنتی شده است. دوگانگی میان بخش‌های فرهنگی جامعه همراه با اختلاف طبقاتی و فراهم‌آمدن زمینه بهره‌مندی قشر کوچکی از جمعیت شهرنشین از مزایای ارتباط با دنیای خارج، زمینه تضادهای ارزشی و هنجاری را در جامعه فراهم کرده است و پدیدآمدن دو نوع فرهنگ در روابط اجتماعی (سنت‌گرایی، و مدرنیته) درک رابطه متقابل افراد از یکدیگر را به حداقل می‌رساند (شادی‌طلب، ۱۳۸۰). خردگرایی، علم‌باوری، و اعتقاد به اصالت فرد و آزادی از اصول اولیه مدرنیته هستند. منطقی‌شدن تفکر، پایان دوره اسطوره و سنت را اعلام

^۱ Inglehart

^۲ Cook

می‌کند و حاصل آن به تعبیر وبر «افسون‌زدایی» از جهان است (جهانبگلو و بهنام، ۱۳۸۲: ۱۲) که به فرایندی در جهت تغییر و تحول احساسات و ارزش‌های جامعه تبدیل شده است. تغییر رفتار و ذهنیت افراد، که هدف نهایی برنامه‌های نوسازی است (حیدرآبادی و صالح‌آبادی، ۱۳۹۱)، و تغییر ارزش‌هایی که بر جامعه سنتی حاکم است، مانند دین‌گرایی، تقدیر، عدم عقلانیت و ... با ارزش‌هایی مانند انسان‌گرایی، اندیشه پیشرفت، مادی‌گرایی، عقل‌گرایی، اثبات‌گرایی، تساوی، خردگرایی در تضاد قرار می‌گیرد (ملکیان، ۱۳۸۵). حاصل این روند چیزی نیست جز گذشتن و گسستن از جامعه سنتی، و فراگیری عقلانیت نقاد مدرن (گیدنز، ۱۳۷۷: ۶). ماکس وبر سنت را مأخذ عملی می‌داند که مشخص، محدود، روزمره و عادی است و جنبه مقدس دارد؛ از این رو، رفتار سنتی رفتاری شخصی، روزمره، محدود و عادی است که در مجموع از سنت‌های تقدس‌آمیز اخذ شده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳)، ولی سنت و سنت‌گرایی در فرهنگ علوم سیاسی مجموعه اندیشه‌ها، عادت‌ها و رسم‌هایی است که به یک ملت تعلق دارد و به منزله میراث اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (آقابخشی، ۱۳۷۴: ۳۴۲).

در دوران معاصر، جامعه ایران به واسطه تبادلات فرهنگی با کشورهای غربی، فرایند شهرنشینی و رشد ارزش‌های مدرنیته، تغییرات شتاب‌زده و بدون بسترسازی مناسب را تجربه می‌کند که جامعه را به سمت دوگانگی و دوقطبی شدن سوق داده است. مدرنیته در ایران امری است بیرونی و نامأنوس که در بستر پتانسیل‌های فرهنگی رشد نکرده و به همین دلیل تاکنون در میان اقلیت‌های قومی و مذهبی درونی نشده است. این معضل جامعه را به دو قطب سنت‌گرا و نوگرا تقسیم کرده است؛ قطب سنتی، خواهان حفظ ارزش‌های سنتی است و قطب دیگر اعضای جدید جامعه یا جوانانی هستند که خواهان آزادی از قیدوبند ارزش‌های جامعه سنتی هستند. همچنان که گیدنز اشاره می‌کند؛ «در کشورهای صنعتی و غیرصنعتی، پژوهش‌ها بیانگر آن است که با کاهش اعتماد اجتماعی، بحران شخصیت و هویت افزایش می‌یابد» (گیدنز، ۱۳۸۳: ۲۵۴).

در فاصله سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۳، وزارت ارشاد مکلف شد در کنار وضعیت اقتصادی کشور، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان را در فاصله هر دو سال بسنجد و تغییر نگرش‌ها را در جامعه ایرانی را ارزیابی کند. حاصل این قانون دو موج از این تحقیق در سطح کشور (۲۸ استان آن زمان) است و نشان می‌دهد ایرانیان از نظر اعتماد اجتماعی در مسیر نزولی قرار گرفته‌اند. به صورت کلی، یافته‌های این تحقیقات از ظهور بحران اعتماد اجتماعی در ایران گزارش می‌دهد. این بحران سطح خاصی ندارد، فقط مخصوص جامعه یا حکومت نمی‌شود و در میان گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی وجود دارد؛ مثلاً، حدود دوسوم پاسخگویان در همین تحقیق بیان کرده‌اند که به مردم اعتماد ندارند، در حالی که این عدد در سال ۵۳، حدود ۴۵ درصد بوده است

(خانیکی، ۱۳۸۷). نظرسنجی‌ها و تحقیقات دیگر (روشنفکر، ۱۳۸۴؛ محمدی، ۱۳۸۴؛ مفرح، ۱۳۸۷؛ عظیمی و ادریسی، ۱۳۸۶؛ فدوی، کریمی: ۱۳۸۹) کاهش نسبی اعتماد اجتماعی نزد اقشار مختلف اجتماع و تبدیل شدن آن را به مسئله‌ای اجتماعی نشان می‌دهد. هرچند تحقیقاتی در خصوص اعتماد اجتماعی در برخی حوزه‌های موضوعی انجام شده است، تاکنون تحقیقی جداگانه درباره رابطه دوگانگی فرهنگی و تأثیر آن بر بی‌اعتمادی اجتماعی صورت نپذیرفته است. در نتیجه، انجام پژوهشی که به بررسی بی‌اعتمادی اجتماعی و مقایسه تطبیقی آن بین شهر یزد، به‌منزله شهری که در برزخ سنت و مدرنیته گرفتار است، و شهر اهواز، در جایگاه شهری که سابقه زیادی در مدرنیزاسیون دارد و افکار و عقاید سنتی در آن نسبت به یزد بیشتر رنگ‌باخته و می‌تواند پیش‌درآمدی بر شروع و یا حداقل پرسش‌کردن از چگونگی و چرایی این رابطه باشد بپردازد، ضروری به نظر می‌رسد.

پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقاتی جداگانه و عمیق در کشورمان در باب رابطه دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی صورت نگرفته است، اما آنچه از برخی تحقیقات درباره اعتماد اجتماعی برمی‌آید، حاکی از افزایش بی‌اعتمادی اجتماعی در جامعه ایران است که به برخی از آنها استناد می‌کنیم. حیدرآبادی و صالح آبادی (۱۳۹۱) در پژوهشی باعنوان «گونه‌شناسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر ساری» با روش پیمایش به این نتیجه رسیدند که بالا یا پایین بودن پایگاه اقتصادی - اجتماعی تأثیری بر میزان اعتماد اجتماعی در جامعه نداشته است. جامعه گزل‌شافت (مدرن) و برخورداری از ویژگی‌های آن بر اعتماد اجتماعی مؤثر بوده است، بدین‌صورت که هر چه جامعه مدرن‌تر باشد، اعتماد تعمیم‌یافته کمتر است، ولی اعتماد انتزاعی در سطح بالایی قرار خواهد داشت. همچنین، اعتماد انتزاعی در مقایسه با دو نوع دیگر اعتماد از میانگین بیشتری برخوردار بوده است. افسانه کمالی (۱۳۸۳) در رساله دکتری خود باعنوان «مقایسه تطبیقی اعتماد اجتماعی در دو حوزه فرهنگ و سیاست» به بررسی رابطه اعتماد سیاسی با اعتماد اجتماعی پرداخته است. نتایج نشان داده است که اعتماد به حوزه سیاست کمتر از اعتماد به حوزه فرهنگ است. امیر سیاهپوش (۱۳۸۷) در کار تحقیقی خود باعنوان «فراتحلیل مطالعات سرمایه اجتماعی در ایران» از نظر مردم، میزان ارزش‌هایی چون صداقت، امانت‌داری و گذشت به میزان درخور توجهی کاهش و در مقابل، ضد ارزش‌هایی چون کلاهبرداری و چاپلوسی افزایش یافته است و این امر به افزایش بی‌اعتمادی در جامعه و ارتباطات روزانه مردم منجر شده است.

زتومکا^۱ (۱۹۹۴) در مقاله‌ای به بررسی عوامل بازدارندهٔ دموکراتیک در جوامع کمونیست (مانند لهستان) پرداخته است. فرهنگ بی‌اعتمادی در تمام سطوح زندگی اجتماعی کشور لهستان نفوذ کرده است. بخشی از این وضعیت ناگوار از میراث سوسیالیسم واقعی نشئت می‌گیرد. در این مقاله پیشنهاد شده است که برای بازآفرینی اعتماد، که عنصر لازم بافت اجتماعی قوی است، باید از ثبات و تداوم اصلاحات حمایت شود، حکومت قانونی به‌صورت خیلی دقیق رؤیت‌پذیر شود، پیوستن به دموکراسی‌های غربی سرعت بخشیده شود و اعتماد اجتماعی ارزشی اجتماعی قلمداد شود. این تحقیق بیان کرده است که بدون اعتماد، ایجاد جامعهٔ دموکراتیک و باز ممکن نیست، که این امر، مهم‌بودن اعتماد را در امور سیاسی و حیاتی جامعه می‌رساند. تحقیق فرایتاگ (۲۰۰۳)، در خصوص مقایسهٔ سوئیس و ژاپن نیز نشان می‌دهد باوجود تفاوت بین ژاپن و سوئیس، از نظر نگرش‌های اخلاقی مردم، سطح رضایت از زندگی و میزان عضویت در انجمن‌های داوطلبانه، به‌نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی و متغیرهای تحصیلات، استفاده از رسانه‌های جمعی و فرهنگ جهان‌شهری در هر دو کشور رابطه وجود داشته باشد. باوجود استدلال برخی اندیشمندان مبنی بر اینکه ارتباطی بین اعتماد سیاسی و اعتماد اجتماعی وجود ندارد، نتایج تحقیق مزبور نشان می‌دهد که اعتماد به نهادهای سیاسی در حد گسترده‌ای زمینه را برای رشد و گسترش اعتماد اجتماعی در سطح هر دو جامعه فراهم می‌آورد. دلهی و نیوتون (۲۰۰۵) در بررسی تطبیقی اعتماد اجتماعی در شصت کشور جهان به این نتیجه رسیدند که تضعیف مذهب، ناهم‌گونی اجتماعی و وجود شکاف‌های اجتماعی، فقر، نابرابری اجتماعی و فساد اجتماعی از جمله عوامل مهمی هستند که سبب بی‌اعتمادی در سطح جامعه می‌شوند. ولش^۲ و همکاران (۲۰۰۵) نیز با تأکید بر وجه ارتباطی اعتماد به بررسی ادبیات موجود در زمینهٔ نوع‌دوستی پرداخته‌اند. به‌نظر آنها، نوع‌دوستی و اعتماد خاستگاه مشابهی دارند. آنها با بررسی آثار موجود در رهیافت جامعه‌شناختی به این نتیجه رسیده‌اند که در این سنت عواملی چون تعامل، تعهد اخلاقی، قابل‌اعتماد بودن، روابط اجتماعی، همکاری و آشنایی موجب اعتماد و سرمایهٔ اجتماعی‌اند. بریلانتز و فرناندز (۲۰۱۱) بعضی عوامل کاهش اعتماد به نهادهای دولتی را بدین شرح برشمرده‌اند: خدمت‌رسانی ضعیف و ناکارآمد، تضييع منابع عمومی، فساد و اختلاس و تمرکزگرایی افراطی. بوآتنگ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر اعتماد عمومی به پلیس» به این نتیجه رسید که نارضایتی از عملکرد پلیس، ترس از جرم و جنایت و فساد اداری در گسترش بی‌اعتمادی در جامعه بسیار تأثیرگذار است. ماتا (۲۰۱۳) در تحقیق خود به بررسی تغییرات اعتماد به افراد و مؤسسات در میان افراد دارای

¹ Sztompka

² Welch

وابستگی‌های مختلف مذهبی در کانادا پرداخت و نتیجه گرفت که تضعیف گرایش‌های دینی و دیگر متغیرهای اجتماعی و جمعیتی، در درک فرایندهای تشکیل بی‌اعتمادی اجتماعی در گروه‌های مختلف نقش مهمی دارد.

مبانی نظری

اعتماد از جمله مقولات اساسی در مطالعات اجتماعی و سیاسی معاصر است که غالباً ذیل بحث سرمایه اجتماعی در کانون توجه قرار گرفته و از جمله میانجی‌هایی است که شیوه‌های تعامل اطمینان‌بخش اجزای نظام با یکدیگر را تبیین می‌کند (زومکا، ۲۰۰۳: ۳-۱). زومکا با اشاره به زیادبودن اعتماد در اجتماعات کوچک، بر این باور است که اعتمادکردن در اجتماعات کوچک و بسته و صمیمی، مانند اجتماعات قبیله‌ای و روستایی، برخلاف اجتماعات بزرگی همچون شهرهای امروزی، راحت‌تر است. این امر به دو ویژگی مهم جوامع کوچک برمی‌گردد: ویژگی اول، در اجتماعات کوچک‌تر رابطه افراد با یکدیگر مستقیم و چهره‌به‌چهره انجام می‌گیرد و علاوه بر این، افراد به مراجع مشترکی وابسته هستند که آنان را کنترل می‌کند، در نتیجه، به راحتی می‌توانند به یکدیگر اعتماد کنند. ویژگی دومی که امکان اعتماد در متن آنان را تسهیل می‌کند شدت همبستگی اجتماعی در بین اعضای آن است (زومکا، ۱۳۸۴: ۱۲۱).

تونیس معتقد است روابط مبتنی بر اعتماد و مردم قابل اعتماد صرفاً در یا اجتماع سنتی (گمیشافت) یافت می‌شود. او بین اطمینان، که به برکت آن با افرادی روبه‌رو هستیم که آنها را می‌شناسیم و به آنها علاقه داریم، بی‌اعتمادی، که به واسطه آن به وجود بیگانگان و کسانی که نمی‌شناسیم، پی‌می‌بریم، تفاوت قائل بود. در اجتماع، اعتماد مبتنی بر شخصیت و رفتار فرد به منزله عضوی از اجتماع است. اطمینان شخصی، تحت تأثیر شخصیت، فکر، دانش و تجربه افرادی است که مورد اطمینان واقع می‌شوند. اعتماد در این موقعیت محصول جانبی آشنایی و دوستی است (تونیس، ۱۹۵۷: ۲۴۱).

جیمز کلنن از منظر انتخاب عقلانی به موضوع اعتماد توجه می‌کند و معتقد است که اعتماد نوعی انتظار است که بر اساس محاسبه سود و زیان، و با انسان‌هایی محاسبه‌گر و عقلانی در بین افراد، گروهها یا سازمان‌ها پدید می‌آید. برقراری ارتباط با افراد قابل اعتماد، قدرت عمل را تسهیل می‌کند و برای اعتمادکنندگان منفعت به همراه می‌آورد؛ همچنان که، اعتماد گسترده به افرادی که قابل اعتماد نیستند، برای اعتمادکنندگان زیان‌بار است (کلنن، ۱۳۷۷: ۲۹۷).

گیدنز قابلیت اعتماد را به دو نوع تقسیم می‌کند: نوع اول قابلیت است که میان افرادی شکل می‌گیرد که بر مبنای آشنایی طولانی رابطه برقرار می‌کنند و صلاحیت‌های لازم را برای

¹ Coleman

قابل اعتماد بودن در نظر یکدیگر به اثبات رسانده‌اند. اما ماهیت نهادهای مدرن عمیقاً به سازوکارهای اعتماد به نظام‌های انتزاعی به‌ویژه نظام‌های تخصصی وابسته است. مواجهه با نمایندگان نظام‌های انتزاعی را البته می‌توان تحت قاعده درآورد و این روبه‌رویی‌ها به‌آسانی ممکن است ویژگی‌های اعتماد در دوستی‌ها و نزدیکی‌ها را به خود گیرند. برای مثال، این قضیه در باب تماس با پزشکان و دندان‌پزشکان صدق می‌کند که به‌گونه‌ای منظم و طی یک دوره چندین ساله انجام می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۰۴-۹۹).

پاتنام معتقد است، اعتماد مستلزم پیش‌بینی رفتار بازیگری مستقل است. افراد به این دلیل به دیگران اعتماد می‌کنند که با توجه به شناختشان از خلق‌وخوی، انتخاب‌های ممکن، و توانایی آنها حدس می‌زنند که کدام این کار را بر خواهند گزید. در جوامع کوچک و به‌هم‌پیوسته این پیش‌بینی براساس اعتماد صمیمانه صورت می‌گیرد، اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر، نوعی اعتماد غیرشخصی‌تر یا شکل غیرمستقیم از اعتماد ضرورت دارد (پاتنام و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۹۲).

جورج زیمل چارچوبی نظری برای تحلیل اعتماد شخصی و تعمیم‌یافته (غیرشخصی) فراهم آورده است (ولف، ۱۹۵۰: ۱۰، به نقل از منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸). برای زیمل، جامعه آرایشی از اشکال روابط یا اشکال اجتماعی شده است که رابطه اجتماعی مسلط در آن، مبادله است؛ خصوصاً در جوامع مدرن مبادله شکل خالص و اصلی‌ترین شکل همه کنش‌های متقابل انسان‌ها است که منفعت در آن پی گرفته می‌شود. و یکی از مهم‌ترین شروط مبادله اعتماد است. بدون اعتماد عمومی افراد به یکدیگر، جامعه تجزیه می‌شود (همان، ۱۸). بنابراین، اعتماد روابط اجتماعی را مستحکم می‌سازد و یکی از مهم‌ترین نیروهای ترکیبی در جامعه است (همان، ۳۱). از دیدگاه زیمل، افزایش مبادلات و تعداد وابستگی‌های گروهی (گروه‌های ثانویه) در جامعه تفکیک‌یافته، زمینه‌ساز فزونی شکل‌گیری عواطف مثبت شخصی به دیگران و در نتیجه احساس تعهد و اعتماد عام‌گرایانه است. افراد با تعدد پیوستگی‌ها و پیوندهای اجتماعی و گسترش دامنه و حجم تعهد مبادلات خود می‌توانند دامنه عواطف و تعهدات را افزایش دهند؛ و برعکس، در جامعه تفکیک‌نیافته، نوع روابط شخصی و دامنه مبادلات به گروه‌های خویشاوندی، قومی، خاص و تعیین‌شده محدود است. هرچه جامعه بتواند واسطه‌های مبادله را تعمیم دهد، میزان اعتماد اجتماعی نیز بالا خواهد رفت (عظیمی هاشمی، ۱۳۷۳: ۷۴).

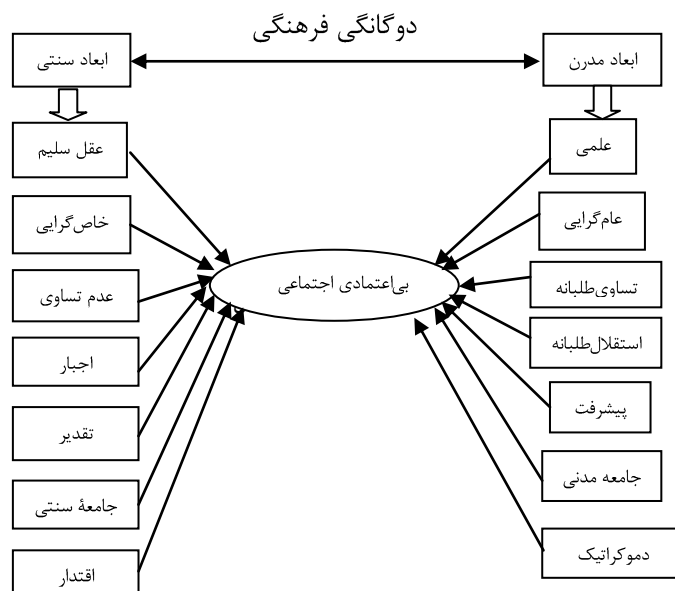
لوهمان (۱۹۸۷) کارکرد اعتماد را با کارکرد قانون در جامعه مقایسه می‌کند. به اعتقاد او، کارکرد اعتماد در نظام اجتماعی این است که قابلیت پیش‌بینی رفتارها را افزایش می‌دهد. اعتماد در واقع نوعی سازوکار اجتماعی است که در آن انتظارات، اعمال و رفتار افراد تنظیم و هدایت می‌شود، اگرچه احتمال تخطی از آن نیز وجود دارد. لوهمان معتقد است قانون و قدرت

مشروع، نه از جهت تنبیه قانون‌شکنان یا حل اختلافات و کشمکش‌ها، بلکه از طریق تقویت همکاری، احتمال تخطی را در اعتماد کاهش می‌دهد. قانون و قدرت مشروع دایره انتخاب افراد را با نشان دادن راه‌ها و امور ممنوع محدود می‌کند و در نتیجه، دایره انتخاب افراد به انجام امور قانونی محدود می‌شود. بنابراین، از این جهت، قانون و قدرت مشروع همانند اعتماد عمل می‌کنند و قابلیت پیش‌بینی رفتارها را افزایش می‌دهند، با این تفاوت که توان اجرایی قانون در مقایسه با اعتماد بالاتر است و با تضمین بیشتری صورت می‌گیرد (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۹).

چارچوب نظری

اعتماد یکی از عناصر مهم و برجسته سرمایه اجتماعی است که نقش مهمی در برقراری ارتباطات سالم و سودمند در بین افراد جامعه ایفا می‌کند. در جوامع سنتی و کوچک‌تر، به‌علت روابط چهره‌به‌چهره، منابع کنترل غیررسمی و در کنار آن منابع کنترل رسمی، اعضای جامعه به‌راحتی می‌توانند به یکدیگر اعتماد کنند. در نتیجه، تولید و بازتولید اعتماد همچون فرآیندی مداوم و مستمر در متن جامعه است. امروز به‌دلیل گسترش استفاده روزافزون از وسائل ارتباط جمعی در تبادلات اقتصادی و فرهنگی میان جوامع، انتقال ارزش‌های رایج جوامع غربی همچون عقلانیت، مادی‌گرایی، عام‌گرایی و... به جوامع دیگر از جمله ایران تسهیل شده است. رواج این ارزش‌ها، در کنار ارزش‌های جامعه سنتی، چون تقدیرگرایی، خاص‌گرایی، اقتدارطلبی و...، به شکل‌گیری جامعه‌ای نیمه‌مدرن کمک کرده است. پاتنام در این نوع جوامع دو نوع اعتماد را تشخیص می‌دهد که عبارت‌اند از: اعتماد غیرشخصی و تعمیم‌یافته. اعتماد تعمیم‌یافته از هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی ناشی می‌شود و با کاهش مشارکت مدنی افراد، به‌دلایل مختلف، این نوع اعتماد در جامعه رو به کاهش می‌گذارد و جامعه را در برابر هزینه‌های این نوع بی‌اعتمادی (از جمله تجزیه جامعه) قرار می‌دهد. زمبل معتقد است در جوامع مدرن رابطه اجتماعی مسلط، مبادله است (ولف، ۱۹۵۰: ۱۸، به نقل از منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸). مبادله از یک‌طرف به ظهور انسان‌هایی محاسبه‌گر و عقلانی می‌انجامد که در روابط اجتماعی خود به‌دنبال کسب سود و منفعت‌اند، اما از طرف دیگر، به‌منزله نیرویی قدرتمند عمل می‌کند که در شکل‌گیری روابط اجتماعی مستحکم، افزایش مبادلات و تعدد وابستگی‌های گروهی در جامعه تفکیک‌یافته، شکل‌گیری و فزونی احساسات مثبت شخصی به دیگران و در نتیجه احساس تعهد و اعتماد عام‌گرایانه و به‌صورت کلی ترکیب و انسجام جامعه نقشی اساسی بازی می‌کند. در جامعه ایرانی، رواج ارزش‌های جامعه غربی و مدرن در کنار ارزش‌های سنتی باعث شکل‌گیری نوعی تضاد و دوگانگی فرهنگی شده است که به ظهور انسان‌هایی منفعت‌گرا، متناسب با جامعه مدرن، منجر شده است، اما از جهت دیگر و برخلاف جامعه مدرن، این روابط اجتماعی مبتنی بر مبادله، همچون عاملی عمل کرده است که اعتماد

را در سطح کنش اجتماعی به‌شدت تنزل داده و جامعه را به سمت تضادهای گوناگون و کاهش همکاری‌های اجتماعی رانده است.



فرضیات

- با توجه به ابعاد نظری و تجربی، فرضیه‌های تحقیق حاضر به شرح زیر است:
۱. میزان دوگانگی فرهنگی بین شهروندان اهوازی و یزدی متفاوت است.
 ۲. میزان بی‌اعتمادی بین شهروندان اهوازی و یزدی متفاوت است.
 ۳. بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی تعمیم‌یافته رابطه وجود دارد.
 ۴. بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی به محیط رابطه وجود دارد.
 ۵. بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی بین‌شخصی رابطه وجود دارد.
 ۶. بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی نهادی رابطه وجود دارد.
 ۷. بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش

روش تحقیق در هر پژوهشی با توجه به موضوع مشخص می‌شود. روش این تحقیق کمی است و با استفاده از تکنیک پیمایش صورت گرفته است. جمع‌آوری اطلاعات این تحقیق از طریق مراجعه مستقیم پژوهشگر به پاسخگویان و ارائه پرسش‌نامه به آنها صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش را افراد ۱۵ تا ۶۵ ساله دو شهر یزد و اهواز تشکیل داده‌اند. جامعه آماری شهر اهواز برابر با ۹۸۷۵۶۶ نفر و جامعه آماری شهر یزد برابر با ۵۵۰۹۰۴ نفر است. برای برآورد

حجم نمونه، ابتدا مطالعه‌ای مقدماتی در باب ۳۰ نفر از شهروندان هر دو شهر به صورت جداگانه انجام گرفت، تا واریانس صفت تحت مطالعه (بی‌اعتمادی اجتماعی) مشخص شود و سپس، با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و دقت احتمالی ۵ درصد، حجم نمونه برای شهر یزد ۲۷۶ و برای شهر اهواز ۲۹۱ نفر برآورد شد، اما برای اطمینان بیشتر، در هر کدام از شهرها ۳۰۰ پرسش‌نامه توزیع شد. در این تحقیق از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است؛ به این صورت که ابتدا هر شهر به سه خوشه بالا، مرکز و پایین شهر تقسیم شد؛ بعد، میدان‌ها و خیابان‌ها در هر خوشه انتخاب شدند و در نهایت، در هر خوشه پرسش‌نامه‌ها به صورت تصادفی توزیع شد.

$$n = \frac{Nt^2 \cdot s^2}{Nd^2 + t^2 \cdot s^2} = \frac{550904 \cdot 1/96 \cdot 1/96 \cdot 0/18}{(550904 \cdot 0.05 \cdot 0.05) + 1/96 \cdot 1/96 \cdot 0/18} = 276$$

$$n = \frac{Nt^2 \cdot s^2}{Nd^2 + t^2 \cdot s^2} = \frac{987566 \cdot 1/96 \cdot 1/96 \cdot 0/19}{(987566 \cdot 0.05 \cdot 0.05) + 1/96 \cdot 1/96 \cdot 0/19} = 291$$

برای سنجش بی‌اعتمادی اجتماعی، که به چهار بعد تقسیم می‌شود، از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. گویه‌های هر کدام از این چهار بعد به صورت معکوس محاسبه شده است. ضریب آلفای هر بعد در جدول ۱ آمده است. برای سنجش متغیر دوگانگی فرهنگی (مدرن و سنتی) از پرسش‌نامه تلفیقی، که شامل هفت بعد بود، استفاده شده است. برای بعد مدرن از مقیاس شارما استفاده شد که مهدی‌زاده (۱۳۸۱) با توجه به جامعه ایران آن را بومی کرده است. و برای بعد سنتی نیز از گویه‌هایی استفاده شد که در جهت مخالف با گویه‌های مدرن بود؛ بنابراین، برای بعد سنتی از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد.

جدول ۱. ضریب آلفای کرونباخ

سازه	تعداد گویه	آلفای کرونباخ	سازه	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
بی‌اعتمادی به محیط	۸	٪۷۱	معرفت عامه	۶	٪۷۳
بی‌اعتمادی بین‌شخصی	۵	٪۶۵	خاص‌گرایی	۶	٪۷۵
بی‌اعتمادی نهادی	۷	٪۹۰	عدم تساوی	۴	٪۶۹
بی‌اعتمادی تعمیم‌یافته	۲۰	٪۸۳	اجبار	۵	٪۷۰
جامعه سنتی	۶	٪۷۱	تقدیر	۶	٪۷۶

تعریف مفاهیم

متغیر مستقل دوگانگی فرهنگی

بعد جهت‌گیری علمی: منظور از جهت‌گیری علمی به منزله یکی از شاخص‌های سنجش نوگرایی، تمایل افراد به فهم دنیا بر پایه نقش مستندات علمی و تحقیقی به جای خرد دوران

گذشته است (مهدی‌زاده ۱۳۸۱: ۹۷). برای سنجش این مفهوم از شاخص‌هایی همچون علم، تکنولوژی، خواندن کتاب‌های علمی و آموزشی استفاده شد.

جهت‌گیری عام‌گرایانه: عام‌گرایی نگرشی است به‌سوی ترجیح هنجارهای غیرشخصی در اجرای نقش‌های عام، فراتر از وفاداری‌های ویژه به خویشاوندان، دوستان و... (همان).

جهت‌گیری مبتنی بر تساوی: التزام عقلانی است به اصل تساوی حقوق و پایگاه انسانی بدون قائل شدن به هر نوع تبعیض برپایه جنبه‌های منسوب به جنسیت، قومیت و... (همان).

جهت‌گیری استقلال‌طلبانه: نگرش به‌سوی آزادی از اجبارهای ساختار اقتدار سنتی است که نتیجه آن ناهمنوایی با چنین هنجارهایی است که ممکن است به‌لحاظ عقلانی مشکوک باشند (همان).

جهت‌گیری پیشرفت: نگرش مثبت به غلبه بر تقدیرگرایی است و تمایل به موفق‌شدن و باور به مفیدبودن برنامه‌ریزی (همان).

جهت‌گیری مدنی: تمایل به کسب اخبار ملی و بین‌المللی است و آگاهی از مسائلی که ملت و اجتماع بین‌المللی با آن مواجه است (همان).

جهت‌گیری دموکراتیک: نگرش مثبت به حفظ و رعایت حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی برای همه افراد و گروه‌های جامعه و وجود فرصت‌های مساوی مشارکت آزادانه در ارزش‌های آن جامعه است (همان: ۹۸).

معرفت عامه^۱: معرفت عامه در جهت مخالف بعد است برای سنجش این مفهوم از شاخص‌های سنتی استفاده شده است که افراد برای فهم دنیا به‌کار می‌گیرند.

خاص‌گرایی: خاص‌گرایی نگرشی است که بر هنجارهای شخصی تأکید می‌کند و در روابط خود به وفاداری‌های خویشاوندی و دوستان توجه دارد. درواقع، برای سنجش این مفهوم از شاخص‌هایی همچون خویشاوندان، دوستان و... استفاده شده است.

عدم تساوی: برای سنجش این مفهوم از شاخص‌هایی استفاده شده است که بر تبعیض جنسیتی و قومی، مردسالاری و... در جامعه سنتی تأکید دارد.

اجبار: اجبار عبارت است از اینکه افراد در تصمیم‌های خود در امور مختلف، بدون اراده و اختیار و ارزیابی‌های عقلانی خود عمل کنند. برای سنجش این مفهوم از شاخص‌هایی چون سنت‌گرایی در ازدواج، تابعیت از نظر جمع و... استفاده شده است.

تقدیر: تقدیر به‌معنای قدرتی تعیین‌کننده است که از قبل مسیر حوادث را معین کرده است و انسان هیچ‌گونه حق انتخابی ندارد. این مفهوم با شاخص‌هایی چون اعتقاد به شانس و استخاره و... سنجیده شده است.

^۱ Common sense

جامعه سنتی: این شاخص با عدم تمایل به کسب اخبار ملی، بین‌المللی و آگاهی از مسائلی که جامعه محلی و سنتی با آن مواجه است، مشخص می‌شود.

اقتدار: به معنای پیروی و عمل کردن بی‌چون‌وچرا به فرمان‌ها یا دستورات تعریف شده است. این مفهوم براساس شاخص‌هایی همچون پیروی از تصمیمات بزرگ‌ترها، تابعیت صرف زن از شوهر و ... تعریف شده است.

متغیر وابسته

بی‌اعتمادی اجتماعی: بی‌اعتمادی به معنای شک‌داشتن یا باورنداشتن به ادعای صداقتی است که کنش‌های افراد نمایش می‌دهند (گیدنز، ۱۳۷۷).

در این پژوهش، بی‌اعتمادی در قالب چهار مؤلفه بی‌اعتمادی بین‌شخصی، بی‌اعتمادی به محیط، بی‌اعتمادی نهادی و بی‌اعتمادی تعمیم‌یافته سنجیده شده است. سطح سنجش این متغیر فاصله‌ای است. برای سنجش بی‌اعتمادی بین‌شخصی شاخص‌هایی طراحی شده است که میزان بی‌اعتمادی پاسخگویان به خانواده، دوستان، هم‌کلاسی‌ها و استادان را نشان می‌دهد. برای سنجش بی‌اعتمادی به محیط از شاخص‌هایی مثل اعتماد کلی به جامعه، راست‌گویی، صداقت و ... استفاده شده است. بی‌اعتمادی نهادی با هفت‌گویه سنجیده شده است. پرسش‌ها در باب ویژگی‌های نهادها و مسئولان است و در نهایت، بی‌اعتمادی تعمیم‌یافته، که بی‌اعتمادی به طیف‌ها و گروه‌های مختلف را نشان می‌دهد، با بیست گویه سنجیده شده است.

تحلیل داده‌ها

در این پژوهش با استفاده از داده‌های موجود به سؤال‌های تحقیق، که براساس مقایسه شاخص‌های بی‌اعتمادی اجتماعی و دوگانگی فرهنگی در دو شهر یزد و اهواز مطرح شده، پاسخ داده شده است. در ادامه، نتایج در دو بخش یافته‌های توصیفی و استنباطی ارائه می‌شود.

یافته‌های توصیفی

در بخش یافته‌های توصیفی، این نتایج حاصل شد: میانگین سنی کل پاسخگویان ۳۱ سال است، اما به تفکیک دو شهر یزد و اهواز میانگین سنی پاسخگویان یزد ۳۲ سال و اهواز ۳۱/۴۷ است. تعداد کل پاسخگویان ۶۰۰ نفر است. از این تعداد ۵۱/۵ درصد (۳۰۹ نفر) را مردان و ۴۸/۵ درصد (۲۹۱ نفر) را زنان تشکیل می‌دهند، اما به تفکیک دو شهر، در شهر یزد ۴۸/۳ درصد را مردان و ۵۱/۷ درصد پاسخگویان را زنان و در شهر اهواز ۵۴/۷ درصد پاسخگویان را مردان و ۴۵/۳ درصد پاسخگویان را زنان به خود اختصاص داده‌اند. از نظر وضعیت تأهل، در شهر یزد ۴۴ درصد مجرد، ۴۹/۳ درصد متأهل و ۶/۷ درصد مطلقه هستند و در شهر اهواز ۳۷/۳

دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی

مجرد، ۵۷/۳ درصد متأهل و ۵/۴ درصد مطلقه‌اند. مقایسه میزان تحصیلات پاسخگویان نیز نشان می‌دهد که در شهر یزد ۴۶/۷ درصد دارای تحصیلات دیپلم و زیردیپلم هستند و ۵۳/۳ درصد تحصیلات عالی دارند، اما در شهر اهواز، ۴۰ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم و زیردیپلم هستند و ۵۳/۳ درصد تحصیلات عالی دارند. پاسخهای پاسخگویان به سؤال درآمد نشان می‌دهد که ۴۴/۶ درصد پایین‌تر از ۱ میلیون تومان و ۵۵/۳ درصد بالاتر از ۱ میلیون تومان درآمد دارند.

یافته‌های تحقیق

جدول ۲. مقایسه میزان دوگانگی فرهنگی در دو شهر یزد و اهواز

متغیرها	پایین		متوسط		بالا	
	اهواز	یزد	اهواز	یزد	اهواز	یزد
علمی- معرفت عامه	۵۳٪	۴۷٪	۸۵٪	۸۷٪	۹٪	۸٪
عام‌گرایی- خاص‌گرایی	۵۳٪	۳۷٪	۸۱٪	۸۵٪	۱۳٪	۱۰٪
تساوی‌طلبانه- عدم‌تساوی	۴۲٪	۴۸٪	۵۶٪	۵۱٪	۰٪	۱۴٪
استقلال‌طلبانه- اجبار	۱۳٪	۹٪	۸۴٪	۸۵٪	۲٪	۶٪
پیشرفت- تقدیر	۶۷٪	۱۰٪	۳۷٪	۳۵٪	۵۶٪	۵۵٪
جامعه‌مدنی- جامعه سنتی	۲۷٪	۴۳٪	۵۲٪	۴۵٪	۴۳٪	۵۰٪
دموکراتیک- اقتدار	۱۴٪	۲۴٪	۵۵٪	۵۲٪	۴۳٪	۴۵٪
دوگانگی فرهنگی کل	۱۳٪	۲۴٪	۹۰٪	۸۸٪	۸٪	۹٪

دوگانگی شهروندان اهوازی در حد متوسط است و صرفاً ۱/۳ درصد افراد از دوگانگی پایین برخوردارند، در حالی که ۸۸ درصد شهروندان یزدی دوگانگی متوسط دارند و تنها ۲/۴ درصد افراد از دوگانگی پایین برخوردارند. در واقع، در همه ابعاد دوگانگی فرهنگی (سنتی و مدرن) نمره پاسخگویان در حد متوسط است که خود از دوگانگی فرهنگی حاکی است.

جدول ۳. مقایسه میزان بی‌اعتمادی در دو شهر یزد و اهواز

متغیرها	پایین		متوسط		بالا	
	یزد	اهواز	یزد	اهواز	یزد	اهواز
بی‌اعتمادی به محیط	۳۷٪	۴۷٪	۵۲٪	۶۱٪	۴۴٪	۳۴٪
بی‌اعتمادی بین‌شخصی	۴۵٪	۴۸٪	۴۳٪	۴۴٪	۶۷٪	۷۷٪
بی‌اعتمادی نهادی	۱۶٪	۱۳٪	۴۱٪	۴۵٪	۴۱٪	۴۱٪
بی‌اعتمادی تعمیم‌یافته	۳۷٪	۱۷٪	۸۳٪	۷۱٪	۱۲٪	۲۷٪
بی‌اعتمادی اجتماعی کل	۱۳٪	۰٪	۸۳٪	۷۴٪	۱۵٪	۲۴٪

با توجه به جدول ۳، میزان بی‌اعتمادی پاسخگویان تحت مطالعه در سه گروه، پایین، متوسط و بالا رده‌بندی شده و اکثر پاسخگویان در سطح متوسط به بالا قرار گرفته‌اند. داده‌های جدول نشان می‌دهد که در هر دو شهر، بیشترین درصد افراد بی‌اعتمادی زیادی (۴۱/۷ درصد) به نهادها، مؤسسات، سازمان‌ها و مسئولان کشوری دارند. این وضعیت در بعد بی‌اعتمادی به محیط (جامعه و ارزش‌های آن) در شهر اهواز (۳۴/۳ درصد) و در شهر یزد (۴۴/۳ درصد) نیز

مشاهده می‌شود که می‌تواند نشان‌دهنده تداخل ارزش‌های سنتی با ارزش‌های مدرن و به تبع آن، دوگانگی فرهنگی در جامعه یزد باشد که عاملی برای بالارفتن بی‌اعتمادی اجتماعی در یزد است. کمترین میزان بی‌اعتمادی به بی‌اعتمادی بین‌شخصی (خانواده، دوستان، اطرافیان) و بی‌اعتمادی به گروه‌های جامعه اختصاص دارد که این میزان در شهر اهواز ۷/۷ درصد و در شهر یزد ۶/۷ درصد برآورد شده است.

جدول ۴. آزمون میانگین متغیر مستقل دوگانگی فرهنگی یزد و اهواز

متغیرها	شهر	میانگین	انحراف معیار	تی	معناداری
علمی - معرفت عامه	یزد	۲۴/۵۱	۳/۸۹	۰/۱۷۹	۰/۸۶۲
	اهواز	۲۴/۵۶	۳/۶۴		
عام‌گرایی - خاص‌گرایی	یزد	۲۲/۵۸	۳/۷۵	۰/۵۰۴	۰/۶۱۵
	اهواز	۲۲/۴۴	۳/۳۵		
تساوی طلبانه-عدم‌تساوی	یزد	۱۷/۳۳	۳/۲۵	۲/۶۴۰	۰/۰۰۹
	اهواز	۱۶/۶۵	۳		
استقلال طلبانه-اجبار	یزد	۲۲/۶۵	۳/۸۲	۳/۵۹۲	۰/۰۰۰
	اهواز	۲۲/۵۳	۳/۷۹		
پیشرفت - تقدیر	یزد	۱۹/۳۵	۳/۲۹	۱/۶۸۵	۰/۰۹۲
	اهواز	۱۹/۸۵	۳/۷۶		
جامعه‌مدنی - جامعه سنتی	یزد	۱۸/۶۱	۲/۷۱	۲/۰۱۶	۰/۰۴۴
	اهواز	۱۸/۱۵	۲/۸۷		
دموکراتیک - اقتدار	یزد	۱۷/۹۵	۲/۶۱	۰/۷۶۴	۰/۴۴۵
	اهواز	۱۸/۱۲	۲/۸۳		
دوگانگی فرهنگی	یزد	۱۴۳/۸۷	۱۱/۳۴	۱/۶۱۷	۰/۰۱۶
	اهواز	۱۴۲/۳۴	۱۰/۸۲		

نتایج آزمون تی مستقل در جدول ۴ نشان می‌دهد که میانگین ابعاد دوگانگی فرهنگی در شهر یزد بالاتر از شهر اهواز است و این تفاوت در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. سطح معناداری در ابعاد جامعه مدنی - جامعه سنتی (۰/۰۴۴) استقلال طلبانه - اجبار (۰/۰۰۰) و تساوی - عدم‌تساوی (۰/۰۰۹) نشان‌دهنده وجود تفاوت بین دو شهر یزد و اهواز در دوگانگی فرهنگی است. دوگانگی فرهنگی در شهر یزد با میانگین شاخص کل ۱۴۳/۸۷ درصد نسبت به شهر اهواز با شاخص کل ۱۴۲/۴۰ درصد بالاتر است. با این توضیحات می‌توان نتیجه گرفت که کنش‌های افراد در جامعه مدنی براساس اخبار ملی و بین‌المللی طرح‌ریزی می‌شود. این روند در تضاد با ارزش‌های جامعه سنتی قرار می‌گیرد که در آن کنش‌های افراد براساس اخبار محلی شکل می‌گیرد و همچنین، در بحث استقلال در تصمیم‌گیری، احترام به تساوی حقوقی افراد، همچون حقوق زن و مرد، دوگانگی فرهنگی در اعمال و رفتار شهروندان دیده می‌شود.

دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی

جدول ۵. آزمون تی مستقل بین دو شهر، یزد و اهواز و بی‌اعتمادی اجتماعی

ابعاد بی‌اعتمادی	شهر	میانگین	انحراف معیار	تی	معناداری
بی‌اعتمادی نهادی	یزد	۲۱/۹۶	۵/۴۶	۲/۹۸۳	۰/۰۰۳
	اهواز	۲۳/۲۰	۴/۶۹		
بی‌اعتمادی بین‌شخصی	یزد	۸/۸۹	۲/۴۵	۰/۳۶۱	۰/۷۱۹
	اهواز	۸/۹۶	۲/۳۰		
بی‌اعتمادی تعمیم‌یافته	یزد	۶۷/۳۷	۱۰/۵۷	۵/۴۹۰	۰/۰۰۰
	اهواز	۶۲/۷۷	۹/۹۴		
بی‌اعتمادی به محیط	یزد	۲۰/۰۹	۳/۴۵	۳/۰۲۸	۰/۰۰۳
	اهواز	۲۰/۹۴	۳/۴۸		
بی‌اعتمادی اجتماعی	یزد	۱۲۰/۴۱	۱۵/۰۴	۵/۳۳۲	۰/۰۰۰
	اهواز	۱۱۳/۷۸	۱۵/۴۰		

نتایج آزمون تی مستقل در جدول ۵ نشان می‌دهد که میانگین بی‌اعتمادی نهادی و بی‌اعتمادی به محیط در شهر اهواز بالاتر از شهر یزد است، اما در بعد بی‌اعتمادی تعمیم یافته، یزد بالاتر از اهواز قرار دارد. این تفاوت در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. در ابعاد بی‌اعتمادی نهادی، بی‌اعتمادی تعمیم‌یافته، بی‌اعتمادی به محیط، تفاوت میان دو شهر یزد و اهواز در سطح اطمینان ۹۵ درصد و ۹۹ درصد تأیید می‌شود.

همچنان‌که مشاهده می‌شود، میانگین بی‌اعتمادی اجتماعی شهروندان یزد (با میزان ۱۲۰/۴۱ درصد) و شهروندان اهواز (با میزان ۱۱۳/۷۸ درصد) متفاوت است و تفاوت مشاهده‌شده ($t= ۵/۳۳۲$) در سطح ۹۹ درصد معنادار است. به‌طور کلی، میانگین پاسخ شهروندان یزدی و اهوازی در تمامی ابعاد تفاوت نشان می‌دهد که بیشترین تفاوت (با میزان ۶۷/۳۷ درصد) در بی‌اعتمادی تعمیم‌یافته و کمترین تفاوت در بعد بی‌اعتمادی بین‌شخصی (با میزان ۸/۸۹ درصد) مشاهده می‌شود. داده‌های تحقیق مؤید آن است که شهروندان اهوازی در مقایسه با شهروندان یزدی بی‌اعتمادی بیشتری نسبت به نهادها، مؤسسات و مسئولان دولتی دارند. این در حالی است که بی‌اعتمادی به خانواده، دوستان و اطرافیان میان یزدی‌ها و اهوازی‌ها تفاوتی ندارد. به‌طور کلی، بی‌اعتمادی اجتماعی در شهر یزد نسبت به شهر اهواز بیشتر است. در واقع، با این تفاسیر می‌توان دریافت که دوگانگی فرهنگی در افزایش بی‌اعتمادی اجتماعی در جامعه یزد نقش مؤثری ایفا می‌کند.

جدول ۶. بررسی فرضیه‌های تحقیق

فرضیه	شهر	r	sig	تعداد	نتیجه
- بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی به محیط رابطه وجود دارد.	یزد	۰/۳۷۵	۰/۰۰۲	۳۰۰	تأیید شد
	اهواز	۰/۱۵۰	۰/۰۰۹	۳۰۰	تأیید شد
	کل	۰/۲۶۹	۰/۰۰۰	۶۰۰	تأیید شد
- بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی بین‌شخصی رابطه وجود دارد.	یزد	۰/۱۷۲	۰/۰۰۳	۳۰۰	تأیید شد
	اهواز	۰/۱۳۴	۰/۰۲۱	۳۰۰	تأیید شد
	کل	-۰/۰۲۱	۰/۶۰۴	۶۰۰	رد شد
- بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی نهادی رابطه وجود دارد.	یزد	۰/۰۴۵	۰/۴۴۲	۳۰۰	رد شد
	اهواز	۰/۰۱۱	۰/۸۴۳	۳۰۰	رد شد
	کل	۰/۰۳۷	۰/۳۶۲	۶۰۰	رد شد
- بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی تعمیم‌یافته رابطه وجود دارد.	یزد	۰/۱۱۶	۰/۰۴۵	۳۰۰	تأیید شد
	اهواز	۰/۰۳۷	۰/۵۲۲	۳۰۰	رد شد
	کل	۰/۰۸۹	۰/۰۳۰	۶۰۰	تأیید شد
- بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی رابطه وجود دارد.	یزد	۰/۱۴۴	۰/۰۱۲	۳۰۰	تأیید شد
	اهواز	۰/۰۴۲	۰/۴۶۷	۳۰۰	رد شد
	کل	۰/۱۰۷	۰/۰۰۹	۶۰۰	تأیید شد

برای آزمون این فرضیه که «بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی به محیط رابطه وجود دارد»، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. با توجه به جدول ۶ این فرضیه در سطح معناداری ۹۵ درصد تأیید می‌شود، در واقع، ضریب همبستگی دوگانگی فرهنگی کل و بی‌اعتمادی به محیط برابر است با (۰/۲۶۹ درصد) و سطح معناداری برابر با صفر است؛ بنابراین، ارتباط مستقیمی بین این دو متغیر وجود دارد. به بیانی دیگر، هرچه دوگانگی فرهنگی بیشتر باشد، سطح بی‌اعتمادی به محیط نیز بالا می‌رود. با مقایسه ضریب همبستگی دوگانگی فرهنگی شهر یزد (۰/۳۷۵ درصد) با سطح معناداری ۰/۰۰۹ و ضریب همبستگی دوگانگی فرهنگی شهر اهواز (۰/۱۵۰ درصد) با سطح معناداری ۰/۰۰۹ می‌توان نتیجه گرفت که بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی به محیط در شهر یزد همبستگی مستقیم و متوسطی وجود دارد، اما بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی به محیط در شهر اهواز همبستگی مستقیم و ضعیفی وجود دارد. برای آزمون این فرضیه که «بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی بین‌شخصی رابطه وجود دارد» از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. با توجه به جدول ۶ این فرضیه در سطح معناداری ۹۵ درصد تأیید نمی‌شود، در حالی که مقایسه جداگانه ضرایب همبستگی دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی بین‌شخصی در دو شهر یزد و اهواز در سطح معناداری ۰/۹۵، تأیید می‌شود. این ضرایب در شهر یزد (۰/۱۷۲ درصد)، با سطح معناداری ۰/۰۰۳ و شهر اهواز (۰/۱۳۴ درصد) با سطح معناداری ۰/۰۲۱ درصد، حاکی از رابطه مستقیم و ضعیفی میان دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی بین‌شخصی است.

دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی

برای آزمون این فرضیه که، «بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی نهادی رابطه وجود دارد» از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. با توجه به جدول ۶، این فرضیه در سطح معناداری ۹۵ درصد تأیید نمی‌شود.

برای آزمون این فرضیه که «بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی تعمیم‌یافته رابطه وجود دارد» از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. با توجه به جدول ۶، این فرضیه در سطح معناداری ۹۵ درصد تأیید می‌شود. در واقع، ارتباط معناداری بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی تعمیم‌یافته وجود دارد؛ به این صورت که هرچه دوگانگی فرهنگی افزایش یابد، سطح بی‌اعتمادی تعمیم‌یافته بالا خواهد رفت. مقایسهٔ جداگانه، ضرایب همبستگی دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی تعمیم‌یافته در دو شهر یزد و اهواز نشان می‌دهد که بین دوگانگی فرهنگی شهر یزد (۰/۱۱۶ درصد) و بی‌اعتمادی تعمیم‌یافته با سطح معناداری ۰/۰۳ درصد رابطه‌ای ضعیف وجود دارد. در حالی که این فرضیه در مورد شهر اهواز در سطح معناداری ۵۲۲ درصد تأیید نمی‌شود.

برای آزمون فرضیهٔ اصلی: «بین دوگانگی فرهنگی (مجموع ابعاد) و بی‌اعتمادی اجتماعی (مجموع ابعاد) رابطه وجود دارد» از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. با توجه به جدول ۶، این فرضیه در سطح معناداری ۹۵ درصد تأیید می‌شود، در واقع، ارتباط مستقیم و معناداری بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی وجود دارد؛ به این صورت که هر چه دوگانگی فرهنگی افزایش یابد، سطح بی‌اعتمادی اجتماعی به تبع بالا خواهد رفت. مقایسهٔ جداگانهٔ ضرایب همبستگی دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی در دو شهر یزد و اهواز نشان می‌دهد که بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی در شهر یزد (۰/۱۰۷) با سطح معناداری ۰/۰۰۹ رابطهٔ مستقیم و ضعیفی برقرار است. در واقع، همان‌طور که قبلاً ذکر شد، میزان دوگانگی فرهنگی در شهر یزد نسبت به شهر اهواز بالاتر است. با توجه به نتایج جدول ۶، نشان می‌دهد فرضیهٔ دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی در شهر یزد تأیید، ولی در شهر اهواز رد شده است. می‌توان به این نتیجه رسید که سطح بالای دوگانگی فرهنگی شهر یزد عامل بی‌اعتمادی اجتماعی است.

جدول ۷. نتایج رگرسیون گام به گام مربوط به دو شهر یزد و اهواز

متغیرهای پیش‌بین	B	Beta	T	Sig	R	R ₂	F	Sig
تساوی	۳/۳۴۹	۰/۴۳۶	۱۱/۸۹	۰/۰۰۰	۰/۴۲۱	۰/۱۷۷	۳۱/۸۷۶	۰/۰۰۰
دموکراتیک	۰/۸۶۶	۰/۱۲۵	۳/۴۰	۰/۰۰۱	۰/۴۳۵	۰/۱۸۹		
خاص‌گرایی	۰/۶۵۴	۰/۱۰۲	۲/۵۳	۰/۰۱۲	۰/۴۴۴	۰/۱۹۷		
جامعهٔ مدنی	۰/۶۶۸	۰/۱۱۰	۲/۸۳	۰/۰۰۵	۰/۴۵۴	۰/۲۰۶		
تقدیر	۰/۴۸۶	۰/۰۸۱	۲/۰۹	۰/۰۳۷	۰/۴۶۰	۰/۲۱۲		

براساس نتایج جدول ۷، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده متغیر بی‌اعتمادی اجتماعی متغیر تساوی (یکی از ابعاد دوگانگی فرهنگی) است. این متغیر به‌تنهایی ۱۷/۷ درصد از واریانس متغیر بی‌اعتمادی اجتماعی را تبیین می‌کند. در مرحله دوم، با ورود متغیر دموکراتیک به مدل، ضریب تعیین به ۱۸/۹ درصد می‌رسد که نشان می‌دهد این متغیر ۱/۲ درصد به قدرت پیش‌بینی مدل افزوده است. در مرحله سوم، با ورود متغیر خاص‌گرایی قدرت پیش‌بینی به ۱۹/۷ درصد می‌رسد که نشان می‌دهد این متغیر ۰/۸ درصد به قدرت پیش‌بینی مدل افزوده است. با ورود متغیر جامعه مدنی، قدرت پیش‌بینی به ۲۰/۶ درصد می‌رسد، که نشان می‌دهد این متغیر ۰/۹ درصد به قدرت پیش‌بینی مدل افزوده است. در مرحله آخر، با ورود متغیر تقدیر، قدرت پیش‌بینی مدل به ۲۱/۲ درصد می‌رسد که نشان می‌دهد این متغیر ۰/۶ درصد به قدرت پیش‌بینی مدل افزوده است. با این تفصیل، متغیرهای تساوی، دموکراتیک، خاص‌گرایی، جامعه مدنی و تقدیر، به ترتیب قدرت پیش‌بینی، قادرند ۲۱/۲ درصد از تغییرات میزان بی‌اعتمادی اجتماعی را تبیین کنند.

نتیجه‌گیری

بی‌اعتمادی از جنبه‌های مخرب روابط انسانی است که مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه را کاهش می‌دهد و به تهدیدی برای انسجام اجتماعی تبدیل می‌شود. اعتماد اجتماعی سرمایه اصلی هر جامعه‌ای است. نادیده گرفتن آن به‌منزله فاصله‌گرفتن از جامعه سالم و در نتیجه افزایش بی‌اعتمادی در جامعه است. پژوهش حاضر با هدف مطالعه تطبیقی میزان بی‌اعتمادی اجتماعی در دو شهر یزد و اهواز به‌مثابه دو شهر سنتی و مدرن با درجه کم‌وبیش متفاوت انجام گرفته است. چارچوب تحقیق مبتنی بر ابعاد نظری پاتنام، زیمل، لوهمان، گیدنز، کلمن، تونیس و فوکویاما است. تحقیق با ۶۰۰ نمونه از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای در مناطق مختلف دو شهر اجرا شد. نتایج تحقیق نشان داد که میزان بی‌اعتمادی در هر دو شهر در اکثر ابعاد آن درخور توجه است. میزان بی‌اعتمادی زنان بیشتر از بی‌اعتمادی مردان به‌دست آمد. بیشترین میزان بی‌اعتمادی بین گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ ساله‌ها و بعد، بین گروه سنی ۱۵-۲۵ ساله‌ها دیده شد. در واقع، هرچه سن افزایش پیدا می‌کند از میزان بی‌اعتمادی هم کاسته می‌شود. از نظر وضعیت تأهل، بیشترین میزان بی‌اعتمادی در بین افراد مجرد و کمترین میزان بی‌اعتمادی در بین افراد مطلقه به دست آمد. داده‌ها نشان می‌دهد با افزایش سطح تحصیلات میزان بی‌اعتمادی به جامعه افزایش می‌یابد و برعکس. از نظر وضعیت درآمدی، بیشترین میزان بی‌اعتمادی در بین اقشار با درآمد متوسط مشاهده می‌شود. در بین گروه‌های شغلی، بیشترین میزان بی‌اعتمادی مربوط به مشاغل رده‌پایین و کمترین میزان بی‌اعتمادی مربوط به مشاغل رده‌بالا چون پزشکان است.

مقایسه بی‌اعتمادی اجتماعی در اهواز و یزد نشان می‌دهد که بیشترین میزان بی‌اعتمادی به محیط و نهادهای مربوطه دولتی است و این میزان در اهواز نسبت به یزد بیشتر است؛ این بدان معنا است که اهواز شهری صنعتی است و نگرش مدرن به نهادها و محیط اطراف، که از شاخص‌های جامعه مدرن است، با بی‌اعتمادی تناسب بیشتری دارد، ولی میزان بی‌اعتمادی، در بعد بی‌اعتمادی تعمیم‌یافته، در بین شهروندان یزدی نسبت به اهوازی‌ها بیشتر است که می‌تواند نشان‌دهنده تداخل ارزش‌های سنتی با ارزش‌های مدرن و در نتیجه، دوگانگی فرهنگی در جامعه یزد باشد که همین امر عاملی برای بالارفتن سطح بی‌اعتمادی اجتماعی در جامعه یزد است. داده‌ها مؤید آن است که در ابعاد سنت - مدرن، علمی - معرفت عامه، عام‌گرایی - خاص‌گرایی و استقلال‌طلبانه - اجبار، میزان دوگانگی فرهنگی در شهر اهواز بالاتر است، در حالی که ابعاد تساوی‌طلبانه - عدم تساوی، پیشرفت - تقدیر، جامعه مدنی - جامعه سنتی و دموکراتیک - اقتدار میزان دوگانگی فرهنگی در شهر یزد بالاتر است. به‌طور کلی، دوگانگی فرهنگی در شهر یزد نسبت به شهر اهواز سطح بالاتری دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه رابطه دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی به محیط، با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی به محیط رابطه معناداری وجود دارد. آزمون‌ها نشان داد که بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی به محیط در شهر یزد همبستگی مستقیم و متوسطی وجود دارد، اما بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی به محیط در شهر اهواز همبستگی مستقیم و ضعیفی وجود دارد. این یافته با نتایج تحقیقات دهلی و نیوتون (۲۰۰۵)، حیدرآبادی و صالح آبادی (۱۳۹۱) و زتومکا (۱۹۹۴) هم‌خوان است. یزد شهری سنتی در نظر گرفته می‌شود، اما در چند سال گذشته به علت جذب زیاد دانشجویان غیربومی از نقاط مختلف کشور در مراکز علمی و دانشگاهی و پذیرش کارگران مهاجر در صنایع متنوع این شهر و از طرف دیگر گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی، ارزش‌های جامعه مدرن در میان ساکنان این شهر گسترش یافته است. این روند به تداخل و تضاد ارزش‌های سنتی نسل مسن با ارزش‌های نسل جوان منجر شده و به افزایش دوگانگی فرهنگی و کاهش اعتماد در روابط اجتماعی انجامیده است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی بین‌شخصی، با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، نشان می‌دهد که بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی بین‌شخصی رابطه معناداری وجود ندارد، اما مقایسه جداگانه ضریب همبستگی بین یزد و اهواز از معناداری دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی بین‌شخصی در دو شهر یزد و اهواز حکایت دارد. در واقع، ضریب همبستگی در شهر یزد و شهر اهواز حاکی از وجود رابطه مستقیم و ضعیفی میان دوگانگی

فرهنگی و بی‌اعتمادی بین‌شخصی است. این نتیجه با یافته‌های ولش و همکاران (۲۰۰۵) و سیاهپوش (۱۳۸۷) هم‌سو است.

برای آزمون فرضیه دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی نهادی، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد؛ بنابراین، بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی نهادی رابطه معناداری مشاهده نشد. این نتیجه با یافته‌های حیدرآبادی و صالح آبادی (۱۳۹۱) هم‌سو، ولی با نتایج کمالی (۱۳۸۳) و پاتنام (۱۹۹۳) ناهم‌خوان است.

ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی تعمیم‌یافته رابطه معناداری وجود دارد. مقایسه جداگانه ضرایب همبستگی دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی تعمیم‌یافته در دو شهر یزد و اهواز بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی تعمیم‌یافته شهر یزد رابطه‌ای ضعیف نشان می‌دهد، درحالی‌که این فرضیه درباره شهر اهواز تأیید نمی‌شود، این نتیجه با یافته‌های حیدرآبادی و صالح آبادی (۱۳۹۱) هم‌سو است. عدم قطعیت و تجربه متفاوت اجتماعی، همراه با افزایش فردگرایی، نیاز به اعتماد را دو برابر می‌کند؛ بنابراین، اعتماد روابط اجتماعی را مستحکم می‌سازد و یکی از مهم‌ترین نیروهای ترکیبی در جامعه است. از دیدگاه زیمل، افزایش مبادلات و تعدد وابستگی‌های گروهی (گروه‌های ثانویه) در جامعه‌ای تفکیک‌یافته همانند شهر اهواز زمینه‌ساز فزونی شکل‌گیری عواطف مثبت شخصی به دیگران و در نتیجه احساس تعهد و اعتماد عام‌گرایانه است. افراد با تعدد پیوستگی‌ها و پیوندهای اجتماعی و گسترش دامنه و حجم تعهد در مبادلات خود می‌توانند دامنه عواطف و تعهدات خود را افزایش دهند؛ برعکس، در جامعه تفکیک‌نیافته‌ای که به دوگانگی فرهنگی دچار است، همانند یزد، نوع روابط شخصی و دامنه مبادلات به گروه‌های خویشاوندی، قومی، خاص و تعیین‌شده محدود است، اما اعتماد به دیگر اقشار و گروه‌ها چون جوانان، بازاریان، قضات و... کم و با عواطف منفی همراه است.

برای آزمون این فرضیه اصلی که «بین دوگانگی فرهنگی (مجموع ابعاد) و بی‌اعتمادی اجتماعی (مجموع ابعاد)، رابطه وجود دارد»، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. بررسی ضرایب همبستگی این فرضیه را تأیید می‌کند. درواقع، ارتباط مستقیم و ضعیفی بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی وجود دارد؛ به این صورت که هرچه دوگانگی فرهنگی افزایش یابد، میزان بی‌اعتمادی اجتماعی بالا خواهد رفت. همچنین، مقایسه جداگانه ضرایب همبستگی دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی در دو شهر یزد و اهواز نشان می‌دهد که بین دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی در شهر یزد رابطه‌ای مستقیم و معنادار وجود دارد. با توجه به اینکه دوگانگی فرهنگی در شهر یزد نسبت به شهر اهواز بیشتر است و فرضیه دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی در شهر یزد هم تأیید شده است ولی در شهر اهواز رد

شده است، می‌توان به این نتیجه رسید که سطح بالای دوگانگی فرهنگی شهر یزد عامل بی‌اعتمادی اجتماعی است. پاتنام معتقد است اعتماد یکی از عناصر ضروری تقویت همکاری در جامعه است. اعتماد مستلزم پیش‌بینی رفتار بازیگر یا نهادی مستقل است. افراد صرفاً به این دلیل که فردی (یا نهادی) می‌گوید کاری را انجام خواهد داد، به او اعتماد نمی‌کنند؛ بلکه می‌دانند در مبادلات اجتماعی در میان افراد و نهادهای مختلف، قوانین و مقررات رسمی (بیشتر در جامعه مدرن) و غیررسمی (بیشتر در جوامع سنتی) حاکم است و این امر رفتار افراد و نهادها را پیش‌بینی‌پذیر می‌کند. در نتیجه، افراد و نهادهای دیگر با آرامش بیشتری می‌توانند به افراد و نهادهای دیگر اعتماد و رفتار آنها را پیش‌بینی کنند. البته، این در موقعیتی است که جامعه از هماهنگی نسبی برخوردار باشد و زمانی که این هماهنگی به دلیل تداخل ارزش‌های مدرن و سنتی به هم می‌ریزد، به تبع، میزان اعتماد اجتماعی در سطح جامعه کاهش می‌یابد؛ همچنان‌که در جامعه یزد شاهد این مسئله هستیم.

نتیجه رگرسیون گام‌به‌گام این‌گونه است که پنج متغیر تساوی، دموکراسی، خاص‌گرایی، جامعه مدنی و تقدیر به ترتیب قدرت پیش‌بینی‌ی قادرند ۲۱/۲ درصد از تغییرات میزان بی‌اعتمادی اجتماعی را تبیین کنند.

در نهایت، با توجه به نتایج تحقیق حاضر، دقت در موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

(۱) نقش رسانه‌ها، همچنان‌که در این تحقیق نیز واضح است، در تغییرات زندگی امروز انکارناپذیر است؛ از این‌رو، لازم است نهادهای مربوط و مسئولان از رسانه‌ها استفاده بهینه به عمل آورند تا با هدف آموزش و ترویج، ارزش‌ها و هنجارهایی همچون احترام به حقوق متقابل و اعتماد اجتماعی را در بین افراد جامعه درونی کنند.

(۲) وزارت آموزش و پرورش و سازمان ارشاد اسلامی یا شهرداری‌ها می‌توانند با تدوین کتاب‌های درسی یا تبلیغات در سطح شهر، برای شاخص‌های کلی اعتماد اجتماعی، از جمله راست‌گویی، صداقت و درست‌کاری، فرهنگ‌سازی کنند و بی‌اعتمادی به محیط را کاهش دهند.

(۳) شاخص اصلی بی‌اعتمادی بین‌شخصی رابطه درون خانواده‌ها است و از آنجا که در این تحقیق سطح بی‌اعتمادی بین‌شخصی بالا برآورد شده است، ضروری است صداقت در رفتار و گفتار عاملان جامعه‌پذیری به‌ویژه والدین و مربیان، که عامل مهمی در هم‌گرایی والدین و فرزندان‌اند، تثبیت شود. صداقت در رفتار و گفتار باعث افزایش اعتماد به یکدیگر می‌شود و این در متعادل‌کردن گسست نسل‌ها (مهم‌ترین نوع دوگانگی بین‌نسلی در این تحقیق) بسیار مؤثر است.

منابع

- آزادارمکی، تقی (۱۳۷۴) «سنت، نوگرایی و توسعه»، فرهنگ و توسعه، شماره ۱۷: ۱۲-۱۸.
- آزادارمکی، تقی و افسانه کمالی (۱۳۸۳) «اعتماد، اجتماع و جنسیت. بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره ۲: ۱۰۰-۱۳۲.
- آقابخشی، علی (۱۳۷۴) *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰) «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، *نمایه پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی*، دوره پنجم، شماره ۱۸: ۹-۴۹.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲) *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- پاتنام، رابرت، رابرت لئوناردی و رافائلا نانتی (۱۳۸۰) «*دموکراسی و سنت‌های مدنی: تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذر*»، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: روزنامه سلام.
- پاتنام، رابرت و همکاران (۱۳۸۵) *سرمایه اجتماعی*، ترجمه افشین خاکباز و حسین پویان، به‌کوشش کیان تاجبخش، چاپ دوم، تهران: شیرازه.
- جهانبگلو، رامین و جمشید بهنام (۱۳۸۲) *تمدن و تجدید (گفتگو)*، تهران: نشر مرکز.
- حیدرآبادی، ابوالقاسم و ابراهیم صالح‌آبادی (۱۳۹۱) «*گونه‌شناسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر ساری*»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال چهارم، شماره ۳: ۱۱۵-۱۲۹.
- حسینی، سید علی‌اصغر (۱۳۸۹) «*بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی*» (مطالعه موردی: شهر بابل)، *معرفت*، سال نوزدهم، شماره ۱۵۱: ۳۱-۴۲.
- خانیکی، هادی (۱۳۸۷) *اعتماد و بی‌اعتمادی در ایران*، در: http://www.bazargan.info/la_persian/roydadha/r871126_khaniki.htm
- خانیکی، هادی (۱۳۸۷) *تأملی در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، تهران: بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان.
- روشنفکر، پیام (۱۳۸۴) «*مدرنیت و عملکرد نهادی*»، *مجله رشد آموزش علوم اجتماعی*، دوره نهم، شماره ۲: ۱-۲۰.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۴) *اعتماد یک نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه فاطمه گلایی، تبریز: گلایی.
- سیاهپوش، امیر (۱۳۸۷) «*فرا تحلیل مطالعات سرمایه اجتماعی در ایران*»، *مجله راهبرد فرهنگ*، دوره اول، شماره ۳: ۹۹-۱۲۴.
- شادی‌طلب، زاله (۱۳۸۰) «*زنان ایران، مطالبات و انتظارات*»، *مطالعات جامعه‌شناختی*، شماره ۱۸: ۳۱-۶۲.

- عظیمی، لیلا و افسانه ادیسی (۱۳۸۶) «اعتماد اجتماعی عاملی در پیشرفت جامعه»، مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای سرمایه اجتماعی: چالش‌ها و راهکارها، دهقان، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد دهقان با همکاری فرمانداری شهرستان دهقان: ۳۶۱-۳۸۵.
- عظیمی هاشمی، مژگان (۱۳۷۳) عام‌گرایی و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی.
- فدوی، جمیله و رضا کریمی (۱۳۸۹) ابعاد سرمایه اجتماعی در نواحی هفتگانه منطقه ۵ تهران، *مجله جامعه‌شناسی معاصر*، سال دوم، شماره ۳: ۲۵-۴۷.
- کمالی، افسانه (۱۳۸۳) مطالعه تطبیقی اعتماد اجتماعی در دو حوزه فرهنگ و سیاست، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷) بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳) تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- محمدی، محمدعلی (۱۳۸۴) سرمایه اجتماعی و سنجش آن، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- مهدی‌زاده، شراره (۱۳۸۱) تلویزیون و نوگرایی، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۵) «مدرنیته و ایران»، *مجله آیین*، شماره ۴: ۴۸-۵۳.
- منصوریان، محمدکریم و حسین قدرتی (۱۳۸۸) «اعتماد اجتماعی و تعیین‌کننده‌های آن: رهیافت نهادمحور یا رهیافت جامعه‌محور؟ (مورد مطالعه: شهر سبزوار)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، پیاپی ۳۴، شماره ۲: ۱۸۹-۲۱۵.
- وثوقی، منصور و رحمانی، مصطفی (۱۳۹۲) «بررسی راهکارهای افزایش اعتماد اجتماعی میان مدیریت شهری و شهروندان تهرانی»، *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال سوم، شماره ۱۱: ۳۱-۴۲.

Boateng, F. (2012) *Public Trust in the Police: Identifying Factors that Shape Trust in the Ghanaian Police*. International Police Executive Symposium, Working Paper 42: 4-24.

Brillantes, A. & Fernandez, M. (2011) "Restoring Trust and Building Integrity in Government: Issues and Concerns in the Philippines and Areas for Reform", *International Public Management Review*, 12 (2): 55-80.

- Castillo, Juan C., D. Miranda and P. Torres (2011) *Authoritarianism, Social Dominance and Trust in Public Institutions*, Measurement Center MIDE UC, Pontificia.
- Cook, Karen (Ed.) (2001) *Trust in Society*, New York: Russell Sage Foundation.
- Delhey, J., & Newton, K. (2005) "Predicting Cross-national Levels of Social Trust: Global Pattern or Nordic Exceptionalism?", *European Sociological Review*, 21 (4): 311-327.
- Freitag, M. (2003) "Social Capital in (Dis)Similar Democracies: The Development of Generalized Trust in Japan and Switzerland", *Comparative Political Studies*, 36 (8): 936-966.
- Luhmann, N. (2000) "Familiarity, Confidence, Trust: Problems and Alternatives", *Trust: Making and Breaking Cooperative Relations*, 6: 94-107.
- Mata, F. (2013) *Religious Affiliations and the Trust in Persons and Institutions of Canada*, Toronto: Année de publication.
- Putnam, R. D. (1993) *The Prosperious Community; Social Capital and Public Life*, New York: American Prospect.
- Sztompka, P. (1994) *Agency and Structure: Reorienting Social Theory*. New York: Routledge.
- Sztompka, P. (2003) *Trust A Sociological Theory*. Cambridge University Press.
- Tonnies, F., & Loomis, C. P. (1957) *Community and Society*, North Chelmsford: Courier Corporation.
- Welch, M. R., Rivera, R. E., Conway, B. P., Yonkoski, J., Lupton, P. M., & Giancola, R. (2005) "Determinants and Consequences of Social Trust", *Sociological Inquiry*, 75 (4): 453-473.
- Wolff, K. H. (1950) *The Sociology of Georg Simmel* (Vol. 92892) Simon and Schuster.